سلام دنیا!

میخاستم یک چیزی بهت بگم : ازت بدم میاد!!!!

-چرا؟؟

چون تمام زندگی منو خراب کردی تو!

-من کاری نکردم تو هر کاری کردی خودت کردی.

پس چرا هی مانه انداختی جلوم؟؟

-خودت او مانه ها رو گذاشتی جلو پات من کاری نکردم.

........

-چی شد دیگه ساکت شدی

(خندیدن)

-چته؟؟

هه فکردی من میبازم خودت رو خوب جلوه نکن

-چرا مشکی شدی؟؟چرا هوا سرد شد؟؟

من الان مرگم >:)

-(ترس) نه نه چطور ممکنه؟؟(نفس نفس زدن)(تزس زیاد)

فرار کن میخام شکارت کنم.(خنده شیطانی)

-نهههههههههههه.(صدای ناله و نفس زدن)

تو مردی و من تو رو ازاد کردم!

-(نفس عمیق)(صدای برگشتن الهی)(نفس عمیق)

(تعجب) اره درست بود تو زندانی شده بودی!!!

-ممنون اقا تو مرا ازاد کردی! تو میدونی اون کی بود؟؟

(تعجب و حیرت زده) نه...شا...شای...شاید اون

-هیسسس!اروم باش اون روی بد تو بود!!دیدی؟؟

چیو؟؟

-اون چاق بود بوی بد میاد و همه ازش متنفر بون

اره

-اون تو بودی

(تعجب و کمی خوشحالی عصبانی) ی...یعنی من بودم والان تونستم با ورزش و تغذیه سلام و اراده ی بهتر اینکی که الان هستم بشم؟؟

-دقیقا!!

ممنونم ازت.

-نه! تو تمام این کار ها رو انجام دادی سختی هاشو خودت کشیدی.

(خوشحالی زیاددددددددددددد) آرههههههههه من تونستمممممممممم!

شما متنی رو خوندید که پسر نوجون تونست به اون چیزی که میخواست برسه فقط باید اراده خودش رو درست میکرد.

اگر شما اراده خودتون را درست نکنید این اتفاقات برای شما هم می افته.

پس فقط اراده خودتون را تقویت کنید :)